

بازاریان و اعتصاب

تیری او برله، روزنامه فیگارو، فرانسه

برگردان از دکتر نیما فرمین

در پی اعتراض به پیروزی تقلبی و نادرست احمدی نژاد، رئیس جمهور محافظه کار افراطی، در نخستین روز هفته، موسوی بازاریان را به اعتصاب همگانی فراخواند. با وجود این تقلاب آشکار، بازاریان درخواست وی را دنبال نکردند. مهدی، پارچه فروش بازار در گفتگوی تلفنی گفت: اعتراض کردن چه فایده‌ی دارد. طبق معمول کسانی که بلند و جدی حرف می‌زنند، مجازات شده، و به دنبال آن، اکثریت ناچار به سکوت می‌شوند. او افزود در قلب بازار در جنوب تهران، این جای پرپیچ و خم، به مساحت چهار کیلومتر مربع، پلیس مخفی برای پیشگیری و جلوگیری از هرکاری در همه جا حضور دارد. وی مانند بسیاری از همکارانش، مغازه‌ی پدرش را اداره می‌کند. او ترجیح می‌دهد، در برابر فشار و از ترس انتقام، موقتا از هر واکنشی خودداری کند، و پس از آن که بحران کنونی (بعد از انتخابات) پایان گرفت، آزادانه دست بکار شود.

عامل کلیدی جمهوری اسلامی

یک مفسر ایرانی که ترجیح می‌دهد گمنام باشد، گفت: همگان باید بدانند، که بازار تهران عامل کلیدی جمهوری اسلامی است، و به منزله دستگاه تنفسی اقتصاد کشور است. هنگامی که بازار غرش می‌کند، دولت می‌لرزد. در سال ۱۹۷۹، شاه متهم شده بود، که کشور را مدرنیزه کرده، به فروشگاه‌های بزرگ اجازه رقابت با بازار داده، و کشور را به غربی‌ها فروخته است. بازاریان با روحانیون هم پیمان شدند، و این ائتلاف سرنگونی شاه را تسریع کرد.

هنگامی که ملایان به قدرت رسیدند، دستگاه حاکمه اسلامی، بازرگانی بین‌المللی را به انحصار خود درآورد. بازاریان مقررات جدید را پذیرفتند، و در سایه‌ی سنت دیرینه زد و بند، توانستند، با نادیده گرفتن قانون، بخشی از واردات را از آن خود سازند.

محسن، عمده فروش بازار تهران یادآور شد، به گفته‌ی کارشناسان، در سراسر کشور، عمده فروشان بازار، نیازهای بازرگانی حدود سه میلیون کاسب خرده فروش را تامین می‌کنند. به این ترتیب شبکه‌ی که در اطراف بازار ایرانی به وجود می‌آید، شش میلیون نفر، یعنی یک چهارم جمعیت فعال کشور است. با این آگاهی، به دنبال اعتصاب عمومی، کشور فلج می‌شود.

مشکل اینجا است، که امروز دستهای بسته است، و در صورت اعتصاب ما نخستین قربانیان این فلج شدن خواهیم بود. به گفته‌ی او، اوضاع و احوال نسبت به سی سال پیش متفاوت است. در آن زمان، بازرگانان برای چندین ماه بستن مغازه‌ها دشواری نداشتند، زیرا جیب‌هایشان پر از پول بود. شوربختانه امروز امکان چنین کاری را نداریم، زیرا وضع اقتصادی بد است، بیکاری و تورم قیمت‌ها رو به افزایش است، فروش ما به میزان چشمگیری کاهش یافته و صندوق‌ها خالی است، وضعیت مالی به اندازه‌ی کافی بحرانی شده است.

طلا فروشی، با اندوه می‌گوید: به دنبال تظاهرات و بی‌ثباتی سیاسی، بسیاری از مشتریان فرار کرده‌اند، روزهایی پشت سر نهاده‌ام، که هرگز فروش نداشته‌ام. او می‌افزاید، اگر سیاستمداران ما موفق به یک سازش نشوند، ورشکسته خواهیم شد.

آتش زیر خاکستر

اعتصاب کار خوبی برای نشان دادن همبستگی بامردم ایران است. از شنبه گذشته، تظاهرکنندگان شدیداً سرکوب شده اند، و توان دنبال کردن آن را ندارند. در حال حاضر، معترضین به شکل های دیگر نافرمانی مدنی می اندیشند.

خویشان شهیدشدگان طرفدار موسوی، با پردلی عکس شهیدان را پشت شیشه عقب ماشین ها گذاشته اند. به گفته ی چند منبع خبری که با تهران تماس گرفته اند، عده یی از روسای شرکت ها، به نشانه همبستگی با مردم، شرکت هایشان را تعطیل کرده، و به کارگران خود مرخصی داده اند.

رضا یک بازاری دیگر گفت: شب ها هزاران ایرانی به پشت بام خانه های خود برای گفتن الله اکبر، و مرگ بر دیکتاتورمی روند. ولی جنبش مردم سازماندهی جدی ندارد. محسن عمده فروش بازار می گوید: من از خودم می پرسم، آیا به آن می ارزد، که همه چیز رافدا کنم؟ و به عنوان مثال یادآور می شود: در اکتبر گذشته، بازاریان به اعتراض به افزایش سه در صدی مالیات از سوی احمدی نژاد، چند روزی اعتصاب کردند، در پایان، این اعتصاب برای ما بسیار گران تمام شد، زیرا همکاران ما را بازداشت کردند، و با آن که پیروز شدیم، و طرح افزایش مالیات معلق شد، ولی به دنبال این اعتصاب درآمد ما کم شد. اگر این طرح دوباره مطرح شود، دوباره خطر درگیری وجود دارد، و بهتر است، دولت نگران آتشی باشد، که در زیر خاکستر است.